

# تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارژنگ بامشاد دوشنبه ۲ خرداد ۱۳۸۰-۲۸ ۲۰۰۱۴۶ شماره ۱۱۷

## در ضرورت و مختصات "نه" جدید

### نقی روزبه

معنا داشته و راه گشای تحقق آن می باشد، پس می توان گفت که در پس تعدد تاکتیک ها، استراتژی ها و یا شبه استراتژی های گوناگونی در برخورد با نظام حاکم، در برابر هم صف آرایی کرده اند. در خطوط اصلی سه استراتژی و روی کرد را می توان مشاهده کرد:

**اول- استراتژی ایجاد حکومت اسلامی یعنی حذف "جمهوریت" نظام.** در پیوند با انتخابات، ارزیابی های گوناگونی از دلایل عدم معرفی رسمی کاندیدا از سوی جناح تمامیت خواه بیان می شود که گرچه هرکدام بیان گر بخشی از حقیقت است، اما این تحلیل ها اگر نشان ندهند که دلیل عمده ای این امتناع در عدم به رسمیت شناختن رأی مردم و "جمهوریت"، یعنی آن چیزی است که کنه تمامی اقدامات چندسال گذشته را تشکیل می داده است، و برنامه آتی این جناح در طی دوره بعدی نیز تکمیل این اقدامات تا رسیدن بقول خود به "نقطه صفر" خواهد بود، تصویر درستی از علل ریشه ای رفتار جناح حاکم در قبال انتخابات این دوره ارائه نکرده است. این استراتژی البته به عنوان یک گام تاکتیکی ناگزیر، یک خاتمی ضعیف و فاقد اقتدار برای تکمیل سناریوی خویش را می پذیرد (به عنوان دو نمونه توجه خوانندگان را به سخنان اخیر خامنه ای در این مورد و نیز ملاقات خاتمی با خامنه ای برای جلب موافقت وی در مورد کاندیداتوری خود جلب می کنم).

بقیه در صفحه ۲

## مبارزات کارگران و

## تاکتیک جدید رژیم

### اسلامی

در صفحه ۳

## یوسف آبخون

## کوتنبرگ را به سیاتل دیگری

در صفحه ۴

## بدل سازیم!

## گزارشات برگزاری سمینارها در

## شهرهای گوناگون

در صفحه ۴

همه -به جز- جناح حاکم و البته هرکس به روایت خود، می پذیرد که شرکت مردم در انتخابات دوم خرداد، متضمن "نه" بزرگی به جناح حاکم بوده است. و برخی نیز آن را درمحتوای خود "نه" به نظام حاکم می دانند. و اکنون پس از چهارسال راه پیمائی و تجربه ای در مقیاس توده ای، این سؤال که «این بار مردم چگونه و به چه شکلی می توانند "نه" خود را ابراز دارند و مختصاتی که این "نه" می تواند داشته باشد چیست؟»، این روزها به مهم ترین موضوع و محور ابراز نظر شمار کثیری از نیروهای سیاسی - اجتماعی تبدیل شده است. به عنوان مثال چالشی که گریبان گیر جنبش دانشجویی - به عنوان بادنمای بسیاری از تحولات بالقوه و بالفعل جنبش توده ای- شده است، در این مورد نمونه برجسته ای از اهمیت این گونه موضع گیری هاست. به طوری که ضرورت پاسخ گویی جنبش دانشجویی به بسامد بحران حاکم بر کشور، موجب پیدایش راهبردهای گوناگون حتی در میان تشکل های وابسته به اصلاح طلبان حکومتی شده است. در این میان البته خطای بزرگی خواهد بود اگر دفتر تحکیم وحدت را بیجان گر و معادل جنبش دانشجویی بدانیم. بخش بزرگی از جنبش دانشجویی به تدریج و طی تکانه های بزرگی چون قتل های زنجیره ای، ۱۸ تیر، حمله به کوی دانشگاه، حمله به تجمع دانشجویان در خرم آباد و نقش اصلاح طلبان در ایجاد انسدادسیاسی و سترونی مفرطشان در پاسخ به فرارفتن از بن بست موجود... از مدار نفوذ اصلاح طلبان حکومتی خارج شده اند. با این وجود پاسخ به سؤال مزبور حتی این تشکل دانشجویی را نیز به چالش طلبیده است. به طوری که این تشکل رسمی و قانونی وابسته به جناح اصلاح طلب نیز قادر نیست به سادگی چهارسال پیش و بدون تحمل یک شکاف وسیع در بدنه خود، به حمایت از خاتمی ادامه بدهد. روی دادهای اخیر و اعلامیه ها و موضع گیری متناقض این تشکل در نحوه برخورد با کاندیداتوری خاتمی نمونه ی گویایی از این شکاف است. درحقیقت اکنون موضع گیری درمورد انتخابات گرچه در نفس خویش یک تاکتیک به شمار می آید، اما همین تاکتیک با توجه به اهمیتش به صورت آزمونی برای به محک زدن راهبرد های گوناگون در آمده است. تنها با در نظر گرفتن تشتت و اختلاف درسطح راهبردی است که قادر به فهم و زمین گیرشدن این تشکل خواهیم بود. اگر این درست است که اتخاذ تاکتیک در قبال "انتخابات" در پیوند با استراتژی و جهت گیری کلی

بیانیه هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پیرامون انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری

## انتخابات نه! رفرا ندیم آری! جمهوری دینی نه! جمهوری مردمی آری!

### ایرانیان آزاده

انتخابات ریاست جمهوری رژیم تا چند هفته دیگر برگزار می شود. شما در انتخابات قبلی با استفاده از یک موقیت استثنائی شورشی قانونی را سازمان دادید و به بانگی که در سراسر جهان شنیده شد و صدای تحسین همگان را برانگیخت به روحانیون حاکم اعلام کردید: شما نزد ما مشروعیت ندارید.

فقه های حاکم که از این بانگ بلند شما به رعشه درآمده بودند، تنها پس از تعطیل سیاست خیابانی و دور نگه داشتن شما از صحنه، به مدد اصلاح طلبان حکومتی، توانستند تجدید قوا کنند، آن گاه به شما پاسخ دادند: مشروعیت گرفتن از شما برای ما اهمیت ندارد، ما با زور حکومت می کنیم، و اختناق را گسترش دادند، بطوری که حالا دیگر نه فقط آن ها را که حکومت فرعون حاکم را نمی پذیرند، بل که نرم ترین منتقدان روحانیون که به قانون اساسی آن وفادارند هم روانه ی زندان شده اند.

انتخابات در چنین شرایطی برگزار می شود؛ در شرایط اختناق مطلق. این شرط روحانیون حاکم برای این انتخابات بود و آن ها با بسط رسوایی آور دامنه ی اختناق در آستانه ی انتخابات ریاست جمهوری علناً و عملاً اعلام کردند: انتخابات را تنها تحت چنین شرایطی برگزار می کنیم. به این ترتیب آن ها به گمان خود، شما را در تله قرار داده اند تا از هر جهت بروید به نفع آن ها تمام شود: اگر در آن شرکت کنید یعنی شرایط حاکم را پذیرفته اید و می خواهید تنها در چارچوب و محدوده جباریت حاکم حرکت کنید؛ اگر در آن شرکت نکنید باز هم جناح حاکم می تواند ادعا کند در محدوده رقابت دو جناح پیروز شده است: کیش و مات.

اصلاح طلبان که خود عامل مهمی در ایجاد این وضعیت بودند به شما می گویند، در انتخابات شرکت کنید، وگرنه کفه به نفع "جناح انحصار" سنگین می شود. آن ها با این تیر دو نشان می زنند، هم موقیت سیاسی خود را نجات می دهند، هم شما را به چشم پوشی از خواسته های خودتان و قبول برنامه ی آن ها یعنی پذیرش نظام فقهاتی وادار می کنند. و حتی در این راه آنان از مسخ محتوای یک همه پرسی واقعی هیچ ابائی ندارند. به این ترتیب آن ها با یک شعبده بازی کلاه را چرخانده اند:

بقیه در صفحه ۲

## دنباله از صفحه ۱ بیابنه پیرامون انتخابات.....

موضوع آن انتخابات عبارت بود از آن که اصلاح طلبان و شعارهای شان ابزاری باشند در دست مردم برای گسترش مبارزه برای آزادی و رهایی از جمهوری دینی. موضوع این انتخابات عبارت است از آن که مردم و رأی‌های شان ابزاری باشند برای نجات اصلاح طلبان و پلاتفرم شان در دفاع از جمهوری دینی.

نه به آن بازی کیش و مات جناح حاکم و نه به این شعبده بازی جناح به اصطلاح "اصلاح طلب" نباید تن در داد. در این رابطه نخستین چیزهایی که باید برای خود روشن کنیم عبارتند از:

\*- انتخاب بین دو جناح دیگر هیچ ربطی به مبارزه برای گسترش آزادی و دموکراسی ندارد و انتخابات ریاست جمهوری نمی‌تواند نقشی در این رابطه بازی کند؛  
\*- وظیفه ما نجات اصلاح طلبان نیست، نجات آزادی است. دو جناح علیه هم دسیسه می‌چینند، اما برای دفاع از جمهوری دینی با هم علیه مردم و آزادی توطئه می‌کنند؛

\*- اصلاح طلبان نه در انتخابات، نه در روند آتی مبارزه برای آزادی دیگر نقش بازی نمی‌کنند. بنابراین سروکار ما مردم اساساً با جناح حاکم است و در هشتمین انتخابات باید همه توجه خود را روی آن متمرکز کنیم که در تله‌ای که آن‌ها برای مردم گزیده‌اند و در بازی کیش و مات آن گرفتار نیاییم. نباید بگذاریم جمله‌پردازی‌ها و مظلومیت‌نمایی‌های جناح اصلاح طلب توجه ما را از این اصل منحرف کند. گریز از دام روحانیون حاکم، تنها با شرکت نکردن در انتخابات ممکن نیست، باید در مقابل انتخابات رژیم، آترناتیو خودمان را بگذاریم. باید نشان دهیم نه انتخابات و نه هیچ‌یک از قوای مجریه، مقننه و قضائیه رژیم و نه به اصطلاح رهبری آن را به رسمیت نمی‌شناسیم، باید اعلام کنیم حکومتی را که ادعا می‌کند مشروعیت‌اش را از آسمان می‌گیرد به رسمیت نمی‌شناسیم، باید اعلام کنیم این ما هستیم که حق تأسیس حکومت داریم. در برابر حکومتی که رسماً و عملاً اعلام می‌کند مشروعیت مردمی برای‌اش اهمیتی ندارد، نخستین وظیفه ما دفاع از اصل مشروعیت مردمی است. بنابراین پاسخ ما به انتخابات رژیم، فرزندوم است، فرزندوم برای تعیین تکلیف با حکومت دینی و دفاع از حق مردم برای تأسیس حکومت. و بدیهی است که مبارزه برای چنین خواستی مستلزم بی‌اثر سازی لفاظی‌های اصلاح طلبان حکومتی حول همه پرسشی از یکسو و سازماندهی مبارزات خیابانی و فرافقانونی علیه جناح حاکم و کل نظام از سوی دیگر است.

تنها تحریم و شرکت نکردن در انتخابات کافی نیست. باید موجودیت کل نظام جمهوری اسلامی را با شعار «انتخابات نه! فرزندوم آری!»، «جمهوری دینی نه! جمهوری مردم آری!» به چالش طلبید. این اعلام اراده‌ی مردم باید به همان رسایی "نه" دوم خرداد ۷۶ به ولایت فقیه، به گوش مردم جهان برسد. چگونه؟ شکل این کار را خود مردمی که اکنون از آتش عبور می‌کنند پیدا خواهند کرد. شاید این کار شکل ضربتی و برق‌آسا که مردم در دوم خرداد به نمایش گذاشتند به خود نگیرد (یا بگیرد؟) شاید به یک سلسله از اشکال متنوع مداوم نیاز باشد، اما

## دنباله از صفحه ۱ در ضرورت و مختصات "نه"..

می‌توان گفت که پس از یک دور تنش شدید در میان جناح حاکم، این تفکر که وجود یک خاتمی ضعیف و بی‌پروبال هنوز برای انتقال کم تنش به دوران حکومت اسلامی، مفیدتر است تا حذف او در این مقطع، به صورت خط غالب بر این جناح درآمده است. باتوجه به همین واقعیت و نیز عمل کرد شورای نگهبان، در حذف بقیه رقبای اصلاح طلب، پرسش‌های دوگانه زیرمطرح شده است:

- آیا محمد خاتمی این بار صرفاً در چهره کاندیدای اصلاح طلبان به روی صحنه آمده است؟ یا آن‌که کاندیدای بخشی از جناح دیگر نیز به شمار می‌رود؟

- آیا خاتمی را در این دوره می‌توان حتی کاندیدای همه اصلاح طلبان به شمار آورد؟

دوم- اما در سوی دیگر، نشان دادن اصل اصلاح‌پذیری نظام، از مهم‌ترین تلاش‌های اصلاح طلبان به حساب می‌آید. حتی می‌توان گفت که پایان بخشیدن به تردیدهای خاتمی در مورد کاندیدا شدن، در

شما محافلی که پایه‌ی متشکل جنبش آزادی خواهی در چهار سال اخیر را تشکیل می‌دادید و برخلاف اصلاح طلبان حکومتی به آزادی و نه به حفظ حکومت دینی تعهد داشتید اکنون وظیفه سنگینی بر دوش دارید. قبل از هر چیز به آن دلیل که شما وارث حداقل تشکل‌ها، توانائی‌ها و آگاهی‌هایی هستید که از ۲۲ سال رنج در سایه‌ی جمهوری اسلامی برای مردم ایران باقی مانده است و برای آن که این دست‌آورد توسط جناح حاکم تارومار نشود، یا به دسیسه‌ی مدعیان اصلاح طلبی در حکومت به فساد و در نتیجه نابودی نگرایید، نمی‌توانید در نیمه راه متوقف شوید، باید در راه مبارزه برای آزادی پیش رفت و امکانات خود را در اختیار صاحبان اصلی آن یعنی مردم قرار داد. باید به حلقه‌ی اتصال همه نیروهای تبدیل شد که از شدت ستم جباران حاکم به سرحد انفجار رسیده‌اند: کارگران، زحمت‌کشان، زنان، خلق‌های تحت ستم، جوانان، کارمندان، بیکاران، دانش‌جویان، دانش‌آموزان... باید تاکتیک‌های خود را بر ظرفیت عظیم این افشار متکی کنید تا زنجیری را که بن بست اصلاح طلبان حکومت بر پای مبارزه برای آزادی خواهی بسته است بگشایید. نیروی عظیم نهفته در این منبع لایزال موانعی را که امروز چنین دشوار و غیرقابل عبور می‌نمایند چون توده گاهی از جای خواهند کند.

## ایرانیان آزاده!

اگرچه انتخابات ریاست جمهوری دیگر نقشی در مبارزه برای آزادی بازی نمی‌کند، اما برگزاری انتخابات موقعیت مناسبی فراهم می‌کند تا افکار عمومی را در سراسر جهان مورد خطاب قرار دهیم. باید صدای خودمان را به گوش مردم جهان برسانیم و باید این صدا نشان دهد که ما از دوم خرداد ۷۶ بسیار پیش‌تر رفته‌ایم. پس از هر وسیله‌ای استفاده کنیم و اعلام کنیم: «انتخابات نه! فرزندوم آری!»، «جمهوری اسلامی نه! جمهوری مردم آری!»

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اوج انسداد سیاسی و مشاهده تراکم ابرهای سیاه در افق سیاسی، که به نوعی انتحار سیاسی می‌ماند، دینامیسم اصلی خود برای شرکت کردن را، در وهله نخست از ترس ناشی از پژواک رعدآسای اصلاح ناپذیری نظام در صورت عدم شرکت، و شکل‌گیری یک جنبش تحریم گسترده می‌گرفت. این جناح در اوج استیصال و عوام‌فریبی، ناچار شده است تا با چهره بزرگ کرده و شعار دروغین یک "فرزندوم" مسخ شده در صحنه ظاهر شود. پرسیدنی است که نماد این "فرزندوم" دروغین را چه کسی تشکیل می‌دهد؟ آیا کسی را که حتی جرئت پیگیری وعده‌های داده شده خود در مورد افشاء ریشه بحران‌سازان را ندارد و حتی اعلام می‌دارد که ایجاد بحران برای نظام از طریق افشاگری را نامشروع می‌داند، می‌توان به عنوان نماد فرزندوم به رای گذاشت؟ اما علیرغم تمامی این تلاش‌ها، واقعیت آن است که دوم خرداد ۷۶ قابل تکرار نیست. چرا که هر سه عنصر دخیل در وقوع این روی داد، یعنی جناح حاکم، جناح اصلاح طلب و مردم هرکدام با تجربه و آگاهی متفاوت و در تازانی دیگر و لاجرم در نقطه‌ای جدید قرار دارند که بهیچ وجه چهارسال پیش وجود نداشت. تلاش برای تکرار این سناریو در وضعیت کنونی چیزی به جز به روی صحنه آمدن در چهره یک کم‌دین نخواهد بود. اگر دوم خرداد نخواهد گامی بزرگ به جلو بگذارد، ناچار است یا بصورت موجودی نهی و اسکلت شده- در سیمای همان اسکلت باقی مانده از ماهی در جدال با کوسه‌ها - درصحنه ظاهر شود و یا ناچار است که گامی بزرگ به جلو بردارد:

**سوم-** استراتژی سوم استراتژی پیکار مستقیم توده‌ها علیه نظام برده ساز و تاریک اندیش حاکم است. استراتژی خروج از دنیای دو بعدی بد و بدتر در میان بالائی‌ها و ورود به عرصه یک جهان سه بعدی. اگر چالش اصلی مقطع کنونی تضاد بین مبارزه مردم برای تحقق حاکمیت برسرنوشت خویش با نظام استبداد مذهبی است، و جناح اصلاح طلب نیز در بین دو سنگ آسیای ترس از فرارفتن مردم و شبیخون‌های مداوم جناح تمامیت‌خواه در استیصال کامل بسر می‌برد، پس آرایش صفوف در راستای چالش اصلی، که مستلزم تعویض ریل حرکت تاکتونی و انتقال ثقل بحران از میان بالائی‌ها به میان بالائی‌ها و پائینی‌هاست، اکنون مهم‌ترین عنصر یک مشی متعلق به جریان سوم را تشکیل می‌دهد. و بدیهی است که انتخابات فرصت مهمی خواهد بود برای ابزار وجود این استراتژی. وقتی سخن از به پایان رسیدن دوم خرداد و آغاز دوران "فرادوم خرداد" به میان می‌آید، این درعین حال به معنای آن است که حتی برای فعال نگه داشتن شکاف در میان بالائی‌ها با هدف تسهیل پیش‌روی در پائین، لازم است که مردم از اصلاح طلبان بیش از پیش فاصله بگیرند. بن بست کنونی و انسداد سیاسی موجود، بی‌تردید ناشی از ناتوانائی‌ها و سترونی‌ماهوری مدعیان رهبری جنبش اعتراضی مردم در دفع و خلع ید از جناح تاریک

بقیه در صفحه ۳

اندیش است که خود را در عرصه‌هایی چون مباحثات با نظارت استصوابی، با سازمان‌دهندگان قتل‌های زنجیره‌ای، با حمله کنندگان به کوی دانشگاه، با بسته شدن روزنامه‌ها، ترس از سازمان یافتن نیروی اجتماعی و حمایتی سازنده‌گان دوم خرداد، و ده‌ها و صدها مورد مشابه نشان داده است. مردم از بی‌خاصیتی مجلس، از تشدید فلاکت و تعقیب سیاست تعدیل اقتصادی دوره رفسنجانی، ناراضی هستند.

در چنین حالتی خاتمی نمی‌تواند نماد اعتراض مردم علیه جناح حاکم باشد. اکنون خود وی نیز تبدیل به آماج اعتراضی مردم علیه آن‌چه که او نمادش می‌باشد شده است. حتی حامیان پر و پا قرص جبهه دوم خردادی‌ها نیز ناچار شده‌اند اصطلاح "حمایت انتقادی" از وی را بکار گیرند. پس مردم می‌توانند تنها از طریق افزودن "نه" اعتراضی خود نسبت به رفتار اصلاح‌طلبان به "نه" قبلی و کنونی خود علیه ولی فقیه به این وضعیت اعتراض نمایند. در چنین شرایطی اگر هم امکانی وجود داشته باشد که بتوان اصلاح‌طلبان را از تسلیم و سازش بیشتر برحذر داشت، نه از طریق دعوت و نصیحت بلکه تنها از طریق ابراز یک "نه" مرکب به هر دو جناح، میسر است. بدیهی است که به کری‌زدن خود در برابر چنین اعتراض روشنی برای اصلاح‌طلبان سنگین تمام شده و بدنه آن‌را به سود جریان مستقل از هر دو جناح دچار تشنگی و تجزیه خواهد کرد. در غیر این صورت جناح اصلاح‌طلب در اوج استیصال، رأی به خود را رأی به استیصال خود و رأی به نظام به‌شمار خواهد آورد.

علیرغم وجود تنش‌های میان دو جناح در برخورد با قطب سوم، هر دو قطب دارای استراتژی واحدی هستند: فلج کردن و حذف کامل قطب سوم. جناح حاکم مدت‌هاست که آن‌را از طریق زندان و بگیر و ببند به پیش می‌برد؛ بستن روزنامه‌ها، تهاجم به جنبش دانشجویی، تولید برنامه‌های تازه "هویت" در پیوند با نیروهایی که به‌زعم رژیم جاده صاف کن راه سوم هستند و....

آن‌ها که تلاش برای ابراز وجود و نیرومند شدن قطب سوم را هم‌سویی با جناح حاکم قلم‌داد می‌کنند، البته همواره خود را در وضعیتی می‌یابند که از پرداختن به معنای این واقعیت غیرقابل کتمان و رسواکننده سخنی بر لب نرانند. چرا که اذعان به این‌که تاکتیک اصلی جناح حاکم متلاشی کردن نیروهای غیر "خودی" و به‌زعم وی زمینه ساز قطب سوم است، تمام بنیان‌های نظری و عملی حمایت آن‌ها از اصلاح‌طلبان دولتی را فرو می‌ریزد. چرا که در این دنیای سه وجهی این آن‌ها هستند که در تضعیف و حذف نیروی سوم با جناح‌های حکومتی هم‌سو شده‌اند.

از سوی دیگر رفتار اصلاح‌طلبان دولتی را شاهدیم که حتی رقابت درونی خود را -چنان‌که در مورد تعدد کاندیداها دیدیم- بر نمی‌تابند. به‌طوری‌که اکنون اقتدارطلبی و انحصارطلبی آن‌ها به یکی از مضامین اعتراضی و افشاگرانه‌ی دانشجویان و حتی نیروهای درونی طیف اصلاح‌طلبان تبدیل شده است. آن‌ها حتی تا آن‌جا پیش می‌روند که از طریق تقویت و تحریک باندهایی در میان تشکل‌هایی چون تحکیم وحدت به انتشار اطلاعیه‌های دروغین حمایت از خاتمی مبادرت می‌ورزند. این اصلاح‌طلبان به‌طور رسمی و سر راست، دانشجویان را به عنوان تسمه نقاله‌ای برای انتقال توقعات و خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی به مردم در نظر می‌گیرند و نه مستقل کننده و منعکس کننده مطالبات انباشته شده توده‌های مردم. خوشبختانه اکنون ایده تسمه نقاله قلم‌داد کردن جنبش دانشجویی و ابرازی انگاشتن آن، در میان دانشجویان با چالش‌های جدی مواجه شده است. بدیهی است که حتی توقع فرصت تنفس دادن به قطب سوم از سوی جناح‌های حکومتی انتظار عبثی است. قطب سوم تنها می‌تواند خود را تحمیل کند. و بی‌تردید فرصت انتخابات شرایط مناسبی است که قطب سوم مختصات عمری خود را در پڑواکی گسترده اعلام دارد. این مختصات برآمده از یک تجربه توده‌ای معطوف به قدرت و ضرورت خروج از وضعیتی است که اکنون در آن گرفتار آمده است؛ این بن بست البته در یک کلام ناشی از تضاد مابین عمق و ماهیت مطالبات انباشته شده‌ی مردم از یک سو و ماهیت و ظرفیت نیروی مدعی پیش‌برنده‌ی این مطالبات (اصلاح‌طلبان) از سوی دیگر است. و البته این بن بست به وجود نمی‌آید اگر در طی چهارسال گذشته با قدرت واقعی (ولایت فقیه) و ساختاری‌های آن در می‌افتاد و این‌کار می‌توانست به شرطی صورت پذیرد که نیروی عظیم اجتماعی آزاد شده برای این کار بسیج می‌شد و این نیروها برای پیش‌روی خود به شیوه‌های مبارزاتی خارج از قانون و پارلمان (فراقانونی و خیابانی) متوسل می‌شدند. در برابر تلاش‌های هر دو جناح برای تضعیف و حذف اقدامات مستقل توده‌ای به عنوان راه سوم (که حتی "انتخابات" با توجه به شرایط برگزاری آن و نیروهای مجاز شرکت کننده در آن از جمله چنین تلاش‌هایی به‌شمار می‌رود) این جنبش با قرار دادن ساختار اصلی قدرت به عنوان آماج اصلی، سیاست منزوی ساختن اصلاح‌طلبان حکومتی و عبور از آن و نیز اتخاذ شیوه‌ی فراقانونی اشکال مبارزاتی و برپائی یک جنبش مدنی نافرمانی را به عنوان خصلت عمده تاکتیکی خویش برای عبور از بن بست کنونی به عنوان خطوط راهنمای خود مورد توجه قرار می‌دهد. و انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری فرصت مناسبی خواهد بود برای عرض اندام این استراتژی.

## مبارزات کارگران و

### تاکتیک جدید رژیم اسلامی

#### یوسف آبخون

رویارویی کارگران صنایع بزرگ با رژیم اسلامی برای دستیابی به حقوق‌شان بیش از پیش جنبه آشکارتر و مستقیم‌تری به خود می‌گیرد. کارگران، که در اکثر کارخانه‌های بزرگ تا بیش از یک سال تمام حقوقی دریافت نکرده و حالا اصل پرداخت دست‌مزد و اشتغال‌شان نیز، با رکود کامل تولید و خطر تعطیلی کارخانه‌ها به زیر سؤال رفته به تظاهرات خیابانی در برابر نهادهای دولتی، برای تحت فشار قرار دادن رژیم، روی آورده‌اند. این شکل از مبارزه، که از دو سال پیش به این سو از جانب کارگران صنایع بزرگ به خدمت گرفته شده، هر چه می‌گذرد دامنه و ابعاد گسترده‌تری یافته و در مواردی نیز حمایت‌های توده‌ای را به خود جلب کرده است. آخرین نمونه از این اقدامات حرکت اعتراضی کارگران چیت‌ری در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان در ۶ خرداد ۸۰ است. همین مسئله موجب شده تا سران رژیم تاکتیک بی‌تفاوتی آشکار دو ساله خود در برابر مبارزات و مطالبات بر حق کارگران، که حالا نه برای بهبود شرایط کار و زندگی‌شان بلکه تنها برای حق زنده ماندن و زندگی کردن صورت می‌گیرد، به کناری گذاشته و به سرکوب خونین کارگران گرسنه، ضرب و شتم و دستگیری و زندان و شکنجه آن‌ها روی بیاورند. همان‌طور که نمونه‌های حمله به تظاهرات کارگران بارش و باف‌ناز اصفهان در روزهای ۱۶ و ۱۸ اردیبهشت ماه ۸۰ و ضرب و شتم و دستگیری و زندانی کردن صدها کارگر این کارخانه‌ها نشان داد، دوره‌ی موقت به اصطلاح مدارا با مبارزات کارگران از جانب رژیم و هم‌چنین دولت به اصطلاح مدارا طلب آن به سر رسیده و با آشکار شدن چهره واقعی و ضدکارگری آن، دوره‌ی رویارویی خونین طبقاتی بین کارگران و رژیم اسلامی فرا رسیده است. به ویژه آن‌که تلاش‌های رژیم و تشکل‌های وابسته به آن برای منحرف کردن اذهان کارگران و محدود کردن مبارزات آن‌ها بر روی مسائل فرعی و یا توطئه‌های شوم‌شان با بیابنه شرم‌آور اول ماه مه امسال برای به جان هم انداختن کارگران ایرانی و خارجی نیز نه تنها به جایی نرسیده، بلکه همان‌طور که تحریم سراسری برگزاری مراسم فرمایشی اول ماه مه امسال از جانب کارگران نشان داد، با انزوای تشدید شونده در میان کارگران روبرو شده است.

اما مسئله این است که پیروزی کارگران ما در این دوره از رویارویی خونین طبقاتی که به ناگزیر آغاز شده و گسترش خواهد یافت اولاً بدون سازمان‌یابی سراسری مزد و حقوق‌بگیران به عنوان یک طبقه و آگاهی یافتن به شرائط و سرانجام مبارزه‌شان و ثانیاً بدون شرکت فعال در مبارزات آزادی‌خواهانه‌ای که هم‌اکنون از جانب اکثریت مردم محروم برای رهایی از شر رژیم اسلامی به پیش می‌رود و اکنون به مراحل بسیار حساس و سرنوشت‌ساز رسیده، ممکن نیست. این دو در واقع دو اهرم از استراتژی واحدی محسوب می‌شوند که هدف آن تأمین منافع کارگران و اکثریت محروم در به سرانجام رساندن این مرحله تاریخی از مبارزات توده‌ای برای آزادی و برابری است. به این معنی که کارگران نمی‌توانند بدون مبارزه‌ای متشکل و سازمان‌یافته و همین‌طور مستقل، منافع و مطالبات خود را تأمین کنند. اما مهم‌ترین مانع در برابر تشکل‌یابی و سازمان‌یابی کارگران در همه جا و به ویژه در کشور ما که با برجستگی بیش‌تری مطرح بوده، حکومت‌های استبدادی حاکم بوده‌اند. بنابراین کارگران نمی‌توانند بدون مبارزه با استبداد حاکم بقیه در صفحه ۴

## گوتنبرگ را به سیاتل دیگری بدل سازیم!

سیاتل آمریکا در ۳۰ نوامبر ۹۹، بار دیگر نشان داد که مبارزه برای رفع استثمار و ستم، مبارزه برای حفظ محیط زیست و دستیابی به آزادی و برابری، از مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری جهانی جدا نیست. پس از سیاتل، در واشنگتن، لندن، اوکیناوا، ملبورن، پراگ، بروکسل، کیک‌سیتی، مالمو، شاهد تکوین و پیشروی جنبش نوین ضدسرمایه‌داری بوده‌ایم. به موازات این مبارزات، در برزیل، مکزیک، بولیوی، یونان، مجارستان، گواتمالا، هند و دهها کشور دیگر جهان نیز، نیروهای ضدسرمایه‌داری به شکل گسترده‌ای به سازماندهی مقاومت علیه سرمایه دست زده‌اند....

امروز برای تغییر جهان باید زنجیره انسانی واحدی ساخت و برای دمکراسی، برابری، محیط‌زیست

### دنباله از صفحه ۳ مبارزات کارگران و تاکتیک.....

و بدون مبارزه برای آزادی‌های سیاسی، که اساس آن مبارزه برای آزادی‌تکامل و آزادی بیان و اندیشه است، مبارزه برای تشکیل و سازمان‌یابی و از آن جا مبارزه برای تأمین منافع و مطالبات خود را به پیش برند.

توجه به این مسئله به ویژه در شرایط کنونی مبارزه در کشور از آن رو حائز اهمیت است که جناح تمامیت‌خواه با هراس از گسترش و اوج‌گیری مبارزات کارگری و توده‌ای و پایان یافتن دوره‌ی مدارا با اصلاح‌طلبان در تدارک شرایطی است که هدف اصلی آن نه فقط پایان دادن نهائی به مفهوم هر چند صوری انتخاب و انتخابات و جمهوری در این کشور و هم‌چنین برچیدن بساط اصلاح‌طلبانی که با تکیه دروغین و توخالی بر این شعارها به جایی رسیدند، بلکه سرکوب خونین کارگران و اکثریت محروم و گرسنه و به جان آمده‌ای است که استبداد سیاه آن‌ها را به چالش طلبیده‌اند. کارگران و

مخرومان جامعه در تلاش و مبارزه برای حق زنده ماندن و زندگی کردن در این کشور راهی جز پایان دادن به عمر این رژیم به اصطلاح جمهوری و اسلامی در برابرشان باقی نمانده است چرا که ویرانی و ورشکستگی اقتصاد و تولید این کشور طی بیست سال غارت و چپاول داری‌های ملی از جانب سران درجه اول و آیت‌الله‌ها و آفازاده‌های آن‌ها به جایی رسیده که بدون اقدامات پایه‌ای در سطح کل اقتصاد و سیاست و در درجه اول بدون برچیدن بساط استبداد فقهاتی، تأمین حق کار و زندگی و به عبارت دیگر حق زنده ماندن برای کارگران و اکثریت محروم ممکن نیست. بنابراین در صف‌آرایی‌های کنونی، کارگران باید در صف مقدم مبارزه در برابر اقدامات و طرح‌های خویشی که جناح حاکم در تدارک آن است، قرار گیرند. چرا که در فردای به ثمر رسیدن آن اقدامات ضد مردمی و خونین و تثبیت استبداد سیاه‌تر و نکبت‌بارتر ولایت خالص فقهاتی نه جایی برای مبارزه برای حق تشکیل مستقل برای کارگران و یا مبارزه متشکل و سازمان‌یافته برای حق کار و زندگی و یا بهبود آن‌ها باقی خواهد ماند و نه حتی جایی برای اعتراض جزئی به فقدان کامل این حقوق.

بهتر و همبستگی همه‌جانبه به صف شد. شهر گوتنبرگ در تابستان امسال روزهای ۱۵، ۱۶، و ۱۷ ژوئن مهماندار نمایندگان سرمایه‌داری جهان و بوش رئیس‌جمهور آمریکا می‌باشد.

بوش به نمایندگی از بخشی از اربابان جهان، روز جمعه ۱۵ ژوئن از راه می‌رسد. ....

محدوده برپایی اجلاس جهانی در شهر گوتنبرگ از ماهها پیش در تیول پلیس ضدشورش و تمهیدات امنیتی آنان است. هزاران پلیس برای کنترل و نگهداری از این اجلاس دست‌چین شده‌اند. انواع اسباب و تجهیزات در اختیار نیروی سواره، پیاده و ضدشورش قرار گرفته‌است. همه ارگانها و نهادهای اطلاع‌رسانی در حال آماده‌باش می‌باشند. ....

گسترده‌گی آرایش و پوشش امنیتی، به دست پلیس سوئد بهانه‌ای داه که همه ساکنین منطقه برپایی اجلاس جهانی را تحت کنترل خود بگیرد. ساکنین این منطقه، تا شعاعی وسیع ناچارند با ارائه کارت عبور و مرور مخصوص در طول برپایی اجلاس، همه رفت و آمدهای خود و مهمانان‌شان را با اطلاع پلیس انجام دهند. تا هیچ چیز ابهام‌انگیزی برای پلیس باقی نماند. پلیس مجاز است به هر خانه‌ای سرزند، دفاتر انجمن‌ها و گروه‌های فعال را زیر نظر داشته باشد و پیشرفت فعالین را سد کند و ...! شهر گوتنبرگ این روزها بیشتر به ساتیابگری زمان پینوشه شباهت دارد تا مرکز فرهنگی اسکاندیناوی!

تمامی هتل‌های شهر و کمون‌های اطراف، یک‌سال پیش رزرو شده و جای خالی‌ای در کار نیست. این همه را برای نمایندگان احزاب، سازمان‌های مهمانان اتحادیه اروپا، شرکت‌ها و اربابان سرمایه‌داری جهانی که خود را برای شرکت در اجلاس آماده می‌سازند، مهیا ساخته‌اند!

دریای انسانی و جنبش عظیم ضدسرمایه‌داری نیز خود را آماده می‌کند. اپوزیسیون ضدسرمایه‌داری جهانی در گسترده‌ترین ترکیب، برای تهیه بزرگترین باندروول بر علیه او بهم گره خورده‌اند!

### Bush is not Welcome!

تظاهرات بزرگ روز قبل از ورود رئیس‌جمهور آمریکا (بوش) ۱۴ ژوئن ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر در خیابان اونین (Avenyn) با تجمع در مقابل تئاتر بزرگ شهر شروع می‌شود و تظاهركندندگان بطرف میدان یوتاپلاتسن (Gotaplatsen) منتهی‌الیه حرکت می‌کنند.

خیابان‌های بعد از این میدان غرق پلیس است تا سرمایه از هر اعتراضی مصون ماند!

در این حرکت اعتراضی، مرکزی‌ترین شعار از امروز تعرض به اجلاس سران سرمایه‌داری جهان در گوتنبرگ است.

گوتنبرگ را به شهر مقاومت بدل کنیم!

علاقتمندان می‌توانند در حال حاضر از سایت زیر دیدن نمایند!

www.gbg2001.org

می‌توان با تلفن و فاکس فعالین اتحاد چپ کارگری-گوتنبرگ برای هماهنگی‌های لازم تماس گرفت.

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۳۶ ۷۷ ۸۸ ۱۵ فاکس: ۰۰۴۶۷۳۱ ۱۳ ۹۸ ۹۷

"اتحاد چپ کارگری-گوتنبرگ"

## برگزاری میزگرد در هانوفر

روز جمعه ۱۸ ماه مه ۲۰۰۱ از سوی کانون بحث آزاد-هانوفر میزگردی در محل پاولیون این شهر برگزار گردید. در این میزگرد سخنرانان اردشیر مهرداد از سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)، مسعود فتیحی(فرید) از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و فرخ نگهدار از سازمان فدائیان خلق(اکثریت) شرکت داشتند. سخنرانان حول وضعیت سیاسی ایران در آستانه انتخابات و نقش مردم در تعیین سرنوشت خود به بحث پرداخته و در پایان به سؤالات و مباحث جمعی از حاضرین پاسخ گفتند. این جلسه تا ساعت ۲۳ ادامه یافت و حدود ۲۰۰ نفر در آن شرکت داشتند.

\*\*\*\*\*

## برگزاری جلسه گفتگو

### مناظره و پرسش و پاسخ در شهر برمن

از سوی کانون دفاع از حقوق بشر-برمن در روز ۱۹ ماه مه جلسه‌ای تحت عنوان «ارزیابی از اوضاع سیاسی ایران و چگونگی نقش مردم در حاکمیت خود» در خانه فرهنگ‌های شهر برمن برگزار گردید. در این جلسه اردشیر مهرداد از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، بیژن حکمت از جمهوری خواهان ملی و حسن بهزاد از سازمان فدائیان اقلیت شرکت داشتند. این جلسه که با استقبال بسیار خوب علاقمندان روبرو شد تا ساعت ۱۱ شب بطول انجامید و سخنرانان به سؤالات حاضرین پاسخ گفتند.

\*\*\*\*\*

## جلسه بحث و مناظره در هلند

در روز ۱۲ ماه مه میزگرد بحث و گفتگو پیرامون انتخابات ریاست جمهوری و چشم انداز تحولات در ایران به دعوت سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در شهر Soest هلند برگزار گردید. سخنرانان شرکت کننده در این میزگرد عبارت بودند از نمایندگان: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)، حزب کمونیست کارگری، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت). ابتداء بحث و بررسی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری و اوضاع سیاسی در ایران صورت گرفت و هر یک از سخنرانان به توضیح مواضع خود حول موضوع بحث پرداخته و سپس به پرسش و پاسخ و نظرات مطرح شده از سوی دیگران پاسخ گفتند. این میزگرد از ساعت ۳ بعدازظهر شروع و تا ساعت ۲۳ ادامه یافت.

### کمک‌های مالی

حیدر زاغی ۷۰۰ فرانک برای رادیو

ب - پاریس ۱۰۰ فرانک برای رادیو